

نسبت عقلانیت اسلامی با سرمایه اجتماعی در مقایسه با عقلانیت ابزاری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

۳۷ **امیر خادم‌علیزاده** محمدجواد نوراحمدی*****
امراه امینی** مهدی رضائی جهدکن******

چکیده

عقلانیت از مهم‌ترین صفات کنش فردی و اجتماعی انسان می‌باشد. لحاظ سطوح شناختی، ارزشی و عملی عقلانیت و تبیین اتکای آن بر مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، تفاوت عقلانیت اسلامی و ابزاری را آشکار می‌سازد. از سوی دیگر عقلانیت از آنجا که سامان‌دهنده رفتار و تعامل اجتماعی انسان‌هاست، نقش مهمی در تعیین چستی، تحقق و کارایی سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از عوامل مهم تحقق رشد و توسعه دارد. بررسی نسبت عقلانیت اسلامی در تعیین ماهیت، زمینه تحقق و نیز کارایی سرمایه اجتماعی در مقایسه با عقلانیت اقتصاد متعارف (عقلانیت ابزاری) حائز اهمیت بوده و در جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های نیل به رشد و توسعه کشور می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در این پژوهش با رویکرد میان‌رشته‌ای فلسفی - اقتصادی سعی شده ضمن تبیین چستی عقلانیت اسلامی با تکیه بر مبانی آن و احصای مؤلفه‌ها و

* مقاله پیش رو برگرفته از رساله دکترای مهدی رضائی جهادکن با عنوان «مطالعه تطبیقی مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی سرمایه اجتماعی از منظر اقتصاد متعارف و اسلامی و اثر آن بر رشد اقتصادی ایران» می‌باشد.

** دانشیار گروه اقتصاد اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

Email: aalizadeh@atu.ac.ir.

*** استادیار گروه اقتصاد نظری دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

Email: mjnurahmadi@atu.ac.ir.

**** استادیار گروه اقتصاد اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

Email: a.aminij@atu.ac.ir.

***** دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی.

Email: m_rezayijahdkon@atu.ac.ir.

ابعاد سرمایه اجتماعی، نسبت عقلانیت اسلامی با سرمایه اجتماعی و مزایای آن در مقایسه با عقلانیت ابزاری بررسی گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ماهیت سرمایه اجتماعی مبتنی بر عقلانیت اسلامی فراتر از صرف ارتباطات عینی و تاریخی مبتنی بر نیازهای اجتماعی بوده و ابتنای کنش فردی و جمعی بر عقلانیت اسلامی بر اساس اصول راهبردی و انسان اقتصادی برآمده از آن می‌تواند از نظر منطقی سطح اعتماد و مشارکت را ارتقا داده، با پیشگیری از جنبه‌های منفی سرمایه اجتماعی، زمینه تحقق و کارایی بیشتر آن را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: عقلانیت، عقلانیت اسلامی، عقلانیت ابزاری، سرمایه اجتماعی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی.

طبقه‌بندی JEL: A13, Z13, Z12.

مقدمه

مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی و رابطه آن با توسعه اقتصادی یکی از موضوعات جدی در اقتصاد قلمداد می‌شود (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۲۵) مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت اجتماعی است (خادم‌علیزاده و افسری، ۱۳۹۵، ص ۵۰) و این سرمایه که از مهم‌ترین سرمایه‌ها در ایجاد رشد و توسعه جوامع محسوب می‌گردد وابسته به کنش جمعی آحاد جامعه بوده و متأثر از عقلانیت حاکم بر اندیشه و تفکر غالب آن جامعه می‌باشد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۳۰). از سوی دیگر در علوم انسانی که مجموعه استدلال‌های منطقی و روشمند آدمی برای فهم واقعیت‌های انسانی است (سبحانی و رفیعی آتانی، ۱۳۹۱، ص ۳۱) تبیین و متعاقب آن پیش‌بینی، می‌بایست مبتنی بر امر مشترکی بین انسان‌ها باشد که ویژگی عقلانیت، آن را تأمین می‌نماید. در علم اقتصاد در یک چارچوب فرضی، عقلانیت به صورت ابزاری برای توجیه تصمیم‌گیری در نظریه‌پردازی‌های علمی، مشکل نحوه تصمیم‌گیری عاملان اقتصادی را حل کرده (دادگر و عزتی، ۱۳۸۲، ص ۱) و در اقتصاد متعارف، رفتار عقلانی نهایتاً با توصیف رفتار واقعی تفاوت چندانی ندارد (سالاری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱). بعضی دیگر عقلانیت را یکی از دو اصل موضوعه اساسی دانسته‌اند که اقتصاد نئوکلاسیکی بر آن تکیه دارد (آقانظری و دانش، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴) پرسشی که در این میان به ذهن متبادر می‌شود، عدم سنخیت اصول راهبردی عقلانیت ابزاری، اعم از فردگرایی و حداکثر نمودن منافع فردی (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۷۳-۷۴) با ارزش‌گذاری و

جایگاه بالای سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه متوازن و همه‌جانبه و تمایز و تفاوت عقلانیت اسلامی در این رابطه می‌باشد.

لذا پرسش اصلی در این پژوهش عبارت خواهد بود از نسبت عقلانیت اسلامی و سرمایه اجتماعی در مقایسه با عقلانیت ابزاری که جهت بررسی آن به تبیین مختصر چستی خود عقلانیت و چستی عقلانیت اسلامی و عقلانیت ابزاری با اشاره به مبانی فلسفی هر یک و انسان اقتصادی برآمده از آنها و نیز بررسی کلی رابطه عقلانیت و سرمایه اجتماعی خواهیم پرداخت. فرض ما این است که از آنجاکه عقلانیت، مفهومی اعتباری و متکی به مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است و عقلانیت در علم اقتصاد متعارف در اصل از مبانی انسان‌شناسی پس از رنسانس و در عصر روشنگری به دست آمده است (دادگر و عزتی، ۱۳۸۲، ص ۱)، سرمایه اجتماعی برآمده از عقلانیت اسلامی در مقایسه با عقلانیت ابزاری از ماهیت، زمینه تحقق و کارایی خاص و متمایزی برخوردار می‌باشد. در همین راستا پس از مقدمه، ادبیات پژوهش شامل مفاهیم پایه و پیشینه علمی پژوهش در داخل و خارج ارائه گردیده و با تبیین مبانی نظری پژوهش که شامل چستی عقلانیت اسلامی و تمایز آن با عقلانیت ابزاری از یک‌سو و چستی مؤلفه‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی است، با بحث و بررسی نسبت عقلانیت اسلامی با سرمایه اجتماعی در سه محور ماهیت، زمینه تحقق و کارایی در مقایسه با عقلانیت ابزاری، جمع‌بندی نتایج به‌دست‌آمده ارائه می‌گردد.

ادبیات پژوهش

مفاهیم اساسی

در این بخش به توضیح مختصر دو مفهوم اساسی عقلانیت و سرمایه اجتماعی به‌طور کلی پرداخته می‌شود.

• عقلانیت

عقلانیت از ریشه لاتینی راتیو به معنای محاسبه و شمردن است. در یک تعریف ساده عقلانیت را می‌توان فرایند منجر به اتخاذ تصمیم دانست (رنانی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۸).

عقل در همه آحاد بشر واحد و قوه‌ای است که توانایی اندیشیدن و اندیشمندانه عمل کردن را فراهم می‌آورد (طباطبائی، ۱۳۸۶، ذیل آیات ۲۲۸-۲۴۲ سوره بقره). از نظر دکارت فیلسوف بزرگ آلمانی نیز عقل قوه‌ای است که به انسان این امکان را می‌دهد که صواب را از خطا تمیز داده و به‌درستی حکم کند (فروغی، ۱۳۲۴، ص ۱۲۹). عقلانیت را به خردورزی، داشتن قدرت خرد، استفاده از عقل برای رسیدن به سطح خاصی از خردمندی و ... تعریف کرده اند (موسوی کریمی، ۱۳۸۱، ص ۵۹). مقصود از عقلانیت در مباحث مربوط به علوم انسانی و اجتماعی نوع خاصی از عقلانیت است که به عقلانیت هنجاری (Normative rationality) معروف است و با عقلانیت نوعی (Generic rationality) انسان متفاوت است. عقلانیت نوعی تنها اشاره به توانایی به‌کارگیری عقل دارد (فیروزجائی، ۱۳۸۳، ص ۶۵). عقلانیت به زبانی صوری‌تر متضمن به‌کارگیری مداوم ابزار مناسب برای رسیدن به اهدافی کاملاً مشخص است (بلاگ، ۱۳۸۷، ص ۳۰۷). از دهه سوم قرن بیستم یعنی حدود پنجاه سال بعد از پیدایش مکتب نئوکلاسیک، مفهوم عقلانیت در علم اقتصاد به صورت نظریه «رفتار عقلانی» (Rational behavior) پذیرفته شد و بعداً در قالب نظریه «انتخاب عقلانی» (Rational choice) بازسازی گردید (آقانظری و دانش، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰)؛ لذا عقلانیت در مفهوم کلی آن عبارت خواهد بود از کاربرد عقل در شناخت واقع، تعیین اهداف و انتخاب ابزار و روش صحیح در نیل به اهداف.

• سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی از مفاهیم بسیار مهم و مفیدی است که در سه دهه اخیر در بسیاری از مباحث علوم انسانی نظیر اقتصاد، مدیریت، علوم اجتماعی و علوم سیاسی مطرح و به کار گرفته شده است (سیدنورانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۱). بستر یا فضای اجتماعی جهت تعامل، همکاری و مشارکت اعتماد‌آمیز در بین نیروهای انسانی برای بهره‌مندی از سرمایه‌های فیزیکی و اقتصادی همانا سرمایه اجتماعی است (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۲۹). سرمایه اجتماعی مفهومی است که به درک اینکه چرا برخی افراد، گروه‌ها و طبقات اجتماعی به نتایج سیاسی، اقتصادی، یا اجتماعی مثبت‌تری نسبت به دیگران نائل می‌شوند، کمک می‌کند (صادقی و خنیفر، ۱۳۹۴، ص ۳۱۷). پس از طرح مفهوم سرمایه اجتماعی برای

نخستین بار توسط *هانیفان (Hanifan)*، *جین جاکوبز (Jane Jacobs)* آن را در برنامه‌ریزی شهری به کار گرفت. وی بیان کرد که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند (چاوشینی و نقش بندی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۲). بسیاری از محققان بر این باورند که «گسترش و تعمیق مفهومی» سرمایه اجتماعی و توجه نوین به این ایده با مطالعات *پیوردیو (۱۹۸۰ و ۱۹۸۵)* در دهه ۸۰ آغاز شد و با آثار *جیمز کلن (۱۹۹۰)*، *رابرت پاتنام (۱۹۹۳)* و *فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۹)* با سرعت شگرفی گسترش یافت (دادگر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۳). *بوردیو* نخستین تحلیل منظم را درباره سرمایه اجتماعی عرضه کرد (پورتس، ۱۳۸۴، ص ۳۰۸). وی مفهوم سرمایه اجتماعی را به عنوان جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای می‌داند که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۴). پس از *بوردیو*، *کلن* تلاش کرد جامعه‌شناسی و اقتصاد را تحت لوای «نظریه کنش عقلانی» (Rational Action Theory) با هم سازش دهد. وی در کتاب *بنیان‌های نظریه اجتماعی (۱۹۹۰) (Foundations of Social Theory)* فصل مستقلی را به مفهوم سرمایه اجتماعی اختصاص داده و سرمایه اجتماعی را بسان ابعادی از ساختار اجتماعی برای بازیگران سیاسی - اجتماعی معرفی کرده که می‌تواند همچون منبع مؤثری برای تحقق خواسته‌هایشان عمل کند؛ به عبارت دیگر وی معتقد است سرمایه اجتماعی سبب تغییر در روابط میان اشخاص و تسهیل روابط میان آنها می‌شود (کلن، ۱۳۷۷). *پاتنام* معتقد است: «سرمایه اجتماعی اغلب محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی است. این سرمایه به‌طور معمول در پیوندها، هنجارها و اعتمادها تشکیل می‌شود و از یک وضعیت اجتماعی به وضعیت دیگر انتقال‌پذیر است» (پاتنام، ۱۳۸۴، ص ۹۵). *فوکویاما* برخلاف دیگر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی صرفاً بر خصلت جمعی سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند (فوکویاما، ۱۳۸۴، ص ۱۳). به همین دلیل کارکرد سرمایه اجتماعی (بازدهی سرمایه) در نظریات *فوکویاما* در سطح جامعه است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: «سرمایه اجتماعی» مجموعه نظام‌مند ارزش‌های غیررسمی، هنجارها، قواعد و تعهدات است که در جامعه استقرار یافته و موجب تسهیل و کارآمدی

پیشینه علمی پژوهش

مطالعات داخلی

مناسبات میان اعضای آن جامعه شده و ظرفیت‌هایی برای دستیابی به اهداف خاص ایجاد می‌کند.

دادگر و عزتی (۱۳۸۲) در مقاله «عقلانیت در اقتصاد اسلامی» با تبیین مفهوم عقلانیت در دیدگاه متعارف، نفع‌طلبی انسان را امری ذاتی دانسته، از دیدگاه اسلامی نفع شخصی و لذت شخصی را دارای ابعادی گسترده‌تر از مادیات شامل معنویات، منافع بلندمدت، منافع اخروی و کسب رضایت الهی بر می‌شمرند و معتقدند عقلانیت به معنای همراهی ابزار و اهداف، با اسلام سازگاری دارد.

براتلو و صنایع (۱۳۸۸) در مقاله «درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی» سعی دارند با تکنیک حل مسئله در پی استفاده از دارایی‌های معرفتی، موفق به ارائه مدلی شناختی گردند که با استفاده ابزارگونه از عقلانیت مدرن ذیل اندیشه‌ای درون‌دینی می‌تواند راهی نو در حوزه گسترش مفهومی ادبیات بومی کشور باشد. لکن تبیین دقیقی نه از عقلانیت مدرن و نه عقلانیت دینی در تحقق سرمایه اجتماعی ارائه نشده و بیشتر به نقش امر به معروف و نهی از منکر در تحقق و ارتقای سرمایه اجتماعی پرداخته شده است.

رنانی و مؤیدفر (۱۳۹۰) در فصل سوم کتاب چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد، «سرمایه اجتماعی، عقلانیت و توسعه»، نسبت عقلانیت و سرمایه اجتماعی را از سویه سرمایه اجتماعی بررسی می‌کنند. البته نویسندگان به سطح رفتاری عقلانیت که در کنش‌های اجتماعی قابلیت تحقق و عینیت‌یافتن دارد، بسنده نموده و از نحوه ابتنای عقلانیت رفتاری بر عقلانیت شناختی و ارزشی سخنی به میان نیاورده‌اند.

ابراهیمی سالاری و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «مقایسه تطبیقی عقلانیت در اقتصاد کلاسیک و اقتصاد اسلامی» معتقدند عقلایی‌بودن رفتار یک مفهوم ذهنی است. از دید نویسندگان عقلانیت دارای سه سطح کلی، اخلاقی و ابزاری است. ایشان عقلانیت اسلامی

را بر اساس شمول گسترده‌تر مفهوم لذت و افزودن خیر عمومی در اهداف، عقلانیت تعدیل یافته یا گسترش یافته می‌نامند.

دادگر و هادوی‌نیا (۱۳۹۱) در مقاله «مطالعه تطبیقی عقلانیت اسلامی با رویکرد شناختی»، با اشاره به جایگاه عقلانیت در علم اقتصاد از سه رویکرد عقلانیت نامحدود، عقلانیت محدود و عقلانیت اسلامی به عنوان رویکردهایی که در رابطه با عمل اقتصادی می‌تواند تبیین‌گر رفتار افراد باشد، یاد می‌نمایند و عمده منشأ اختلاف رویکرد نامحدود و محدود را توجه رویکرد محدود به مقوله شناخت در تصمیم و رفتار انسان‌ها می‌دانند. نویسندگان رویکرد عقلانیت اسلامی را در چارچوب رویکرد شناختی ارزیابی و عقلانیت فراگیر قلمداد نموده و بیشینه‌سازی بهره‌مندی‌های مادی، معنوی و آخرتی با بهترین ترکیب را معرفی می‌نمایند.

مطالعات خارجی

پاتنام (Putnam, 2001) در کتاب **بولینگ به تنهایی**، فصلی را به رابطه مشارکت دینی و سرمایه اجتماعی اختصاص داده و مدعی است ادیان فراهم‌کننده مهارت‌های مدنی، هنجارهای مدنی، علائق اجتماعی، حل اختلافات و مشارکت مدنی، از طریق کمک به مردم برای یادگیری مصاحبت با دیگران، برگزاری جلسات و احساس مسئولیت می‌باشند. پیروان ادیان معمولاً با مردمی که به اجتماعات می‌پیوندند و به فعالیت محلی می‌پردازند، رفتار دوستانه دارند و از این لحاظ به انسجام و مشارکت اجتماعی مدد می‌رسانند.

والد (Wald, 2003) در کتاب **مذهب و سیاست در ایالات متحده** معتقد است اجتماعات مذهبی از طریق وادارکردن مردم به پرداخت صدقات و فعالیت‌های داوطلبانه، سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند؛ بنابراین مذهب با القای باور هدایت از طریق نیروی الهی، انگیزه فداکاری را ایجاد می‌کند که خود زمینه مناسبی برای تشکیل سرمایه اجتماعی می‌باشد.

یونگ (Yeung, 2004) در مقاله‌ای با عنوان «سه‌گانه‌ای پیچیده؛ مذهب، داوطلبی و سرمایه اجتماعی؛ چشم‌اندازی اروپایی؛ مورد فنلاند» با بررسی رابطه مذهبی بودن با میزان مشارکت در انواع گروه‌های داوطلبانه مذهبی و غیرمذهبی به این نتیجه می‌رسد که مذهبی

بودن سبب شرکت بیشتر در همه گروه‌های داوطلبانه می‌شود و خدا و مذهب عاملی مهم در شرکت بیشتر در این گروه‌هاست. همچنین افراد شرکت‌کننده در گروه‌های داوطلبانه مذهبی سرمایه اجتماعی بیشتری به صورت شبکه‌های اجتماعی و پیوندهای اجتماعی دارا بوده و از نظر اجتماعی فعال‌تر می‌باشند.

ایلینگ ورث (Illingworth, 2012) در کتاب اخلاق و سرمایه اجتماعی برای رفاه جهانی، با بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و اخلاق، به این نتیجه می‌رسد که منش و تعامل مناسب با سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل اخلاقی در مقابل نفع شخصی قرار می‌گیرد که موجب عام‌گرایی و احساس وظیفه و رفتار غیرشخصی در رابطه با شبکه‌های اجتماعی می‌شود.

در اغلب پژوهش‌های خارج از کشور علی‌رغم تأکید بر نقش مثبت دین بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، دین با نگاهی پدیدارشناسانه و به عنوان یک نهاد و عامل اجتماعی نگریسته شده و نسبت عقلانیت مبتنی بر مبانی دینی با سرمایه اجتماعی در تمایز با عقلانیت ابزاری مورد توجه نبوده است. در مورد پژوهش‌های داخلی نیز در اغلب موارد چيستی عقلانیت اسلامی به‌طور منطقی تبیین نگردیده و به تأثیر تعالیم و احکام اسلامی بر سرمایه اجتماعی بسنده شده است؛ لذا خلأ تبیین نسبت عقلانیت و سرمایه اجتماعی و تمایز عقلانیت اسلامی و عقلانیت ابزاری در این رابطه که می‌تواند مبین ماهیتی متفاوت و فراهم‌آورنده زمینه تحقق و کارایی متمایز برای سرمایه اجتماعی باشد، مشهود است.

مبانی نظری

در این بخش با تبیین تنوع عقلانیت‌ها با اتکای عقلانیت بر مبانی فلسفی، چيستی عقلانیت اسلامی و عقلانیت ابزاری و اصول راهبردی و انسان اقتصادی معرفی شده توسط هر یک از آنها را مقایسه نموده و با برشمردن مؤلفه‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی، زمینه بحث و بررسی نسبت عقلانیت اسلامی و سرمایه اجتماعی مهیا می‌گردد.

تبیین تنوع عقلانیت‌ها با تکیه بر نسبت عقلانیت و مبانی فلسفی

عقلانیت اصطلاح کثیرالمعانی است که هر یک ناظر به یکی از ابعاد، مراتب یا لایه‌های آن است (فصیحی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۱). عقلانیت را گاه به دو شاخه کلی «عقلانیت شناختی»

(Epistemic or theoretical rationality) و «عقلانیت عملی» (Practical rationality) تقسیم می‌نمایند (Mele & Rawling, 2004, p.3). به این دو شاخه، عقلانیت سومی نیز با عنوان «عقلانیت ارزشی» (Value rationality) افزوده می‌شود که به عقلانیت ذاتی نیز معروف می‌باشد (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۷۷، ص ۳۴). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت عقلانیت نظری به این امر می‌پردازد که به چه چیز باید باور داشته باشیم؟ عقلانیت عملی به این مهم می‌پردازد که چه کار باید بکنیم؟ و عقلانیت ارزشی با این مسئله سروکار دارد که به چه چیزهایی باید ارزش قائل شویم؟ (Stenmark, 1995, p.22) عقلانیت ابزاری (Instrumental rationality) نوع خاصی از عقلانیت عملی است که با توجه به تأکید علم مدرن بر آن به عنوان پیش‌فرض رفتار انسان به‌طورکلی بعضاً جایگزین عقل عملی تلقی گردیده است. این تعریف از عقلانیت ابزاری با مفروض قلمدادکردن اهدافی که مبتنی بر امیال انسان در نظر گرفته می‌شود عقلانیت را صرف استخدام عقلانی ابزار برای نیل به هدف قلمداد می‌نماید؛ اما رویکرد به عقلانیت ابزاری به دو صورت امکان‌پذیر است؛ نخست تحت سیطره کلی عقلانیت هنجاری یا وظیفه‌شناختی که در آن صورت عقلانیت ابزاری مستقل نبوده و در چارچوب تعیین اهداف و راهکارهای عقلانی نیل به اهداف بر اساس مبانی و ارزش‌ها، کارایی داشته و با همین معیار، سنجش می‌شود و رویکرد دوم، عقلانیت ابزاری مستقل که صرفاً به صورت محدود و در چارچوب ربط راهکارها و اهداف مطرح گردیده و ارزیابی می‌شود و نسبت به چیستی و چرایی و ارزش ذاتی اهداف و صواب و خطابودن فی‌نفسه راهکارها بی‌تفاوت است. بر مبنای عقلانیت ابزاری غیرمستقل و با توجه به سطوح سه‌گانه عقلانیت، عقلانیت کل‌نگر (Holistic rationality) مطرح می‌گردد که شامل هر سه عقلانیت نظری، عملی و ارزشی است که در آن عقلانیت ابزاری بر عقلانیت شناختی و ارزشی تکیه دارد و با تغییر محتوای عقلانیت شناختی تغییر خواهد کرد؛ لذا اگرچه برای واژه عقل می‌توان جامع‌انتزاعی ترسیم کرد که در مکتب‌ها و نحله‌ها به معنای واحد استعمال می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۸ الف، ص ۲۰)، مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دیدگاه‌های مختلف که پایه و اساس عقلانیت شناختی را تشکیل می‌دهد از عقلانیت‌های متفاوت و مختلف می‌توان سخن به میان آورد. از سوی دیگر عقلانیت‌های مختلف با اصول راهبردی مستنبط از آنها به رفتار و ویژگی‌های عملی

متفاوتی منتهی می‌گردند که در اقتصاد این ویژگی‌ها و رفتارها در انسان اقتصادی معرفی شده از سوی هر نظام منعکس می‌شود.

بررسی عقلانیت ابزاری بر پایه مبانی فلسفی اقتصاد متعارف

مبانی فلسفی هستی‌شناسانه نظام اقتصادی در چهار بخش خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطرح می‌شود (میرمعزی، ۱۳۸۷، ص ۳۵). به‌طور خلاصه می‌توان گفت که مبنای خداشناسی اقتصاد متعارف یا دئیسم است یا لادری‌گری و یا شکاکیت (همان، ۱۳۸۸، ص ۳۶-۴۲). جهان‌شناسی اقتصاد متعارف علاوه بر تک‌ساحتی و صرف عینی و ظاهری قلمداد نمودن جهان واقعی، تحت تأثیر نظریات گالیله (۱۵۶۴-۱۶۴۲) و نیوتن (۱۶۴۲-۱۷۲۷) در قرن هفدهم در طبیعت‌گرایی برآمده از نظر فیزیوکرات‌ها خلاصه می‌شود. در مقوله جامعه‌شناسی، بحث اصلی بر سر اصالت فرد یا جامعه است که از لحاظ هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی مطرح می‌شود. در دیدگاه متعارف اصالت با فرد است و جامعه مشکل از افرادی است که امیال، عواطف، اندیشه‌ها، اراده‌ها، اهداف و ارزش‌های مستقل از یکدیگر دارند. چیزی که آن را هویت جمعی یا روح جمعی می‌خوانیم، در حقیقت قدر مشترک انتزاعی این هویت‌های مستقل است و در خارج چیزی جز این هویت‌های مستقل وجود ندارد (آریلاستر، ۱۳۹۲، ص ۵۵-۸۰). اصالت ارزش نیز با فرد است به این معنی که آنچه اصالت و حقیقت دارد منافع فرد است (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۵۷). درباره مقوله انسان‌شناسی در دیدگاه متعارف می‌توان گفت انسان همان است که در ظاهر هست، با خواسته‌ها و نیازهای غریزی صرف و تنها تمایز او از سایر جانداران این است که دارای هوشی پیشرفته‌تر نسبت به سایر جانداران است که در روند تکامل طبیعی کسب کرده است. از دید بتنهام، طبیعت، بشر را تحت نفوذ حکومت دو شه‌ریار قرار داده است: درد و لذت و آنچه ما باید انجام دهیم، توسط این دو تعیین می‌گردد؛ اجتناب از درد و تعقیب لذت (Bentham, 1780).

در رابطه با مبانی معرفت‌شناسی این دیدگاه می‌توان گفت منابع شناخت محدود به حس و تجربه بوده و عقل تنها به عنوان هماهنگ‌کننده ادراکات حسی در جهت پیش‌بینی آینده و دنبال‌نمودن آینده مطلوب، اعتبار و کارایی دارد. به‌طور کلی از نگاهی

معرفت‌شناسانه سه ویژگی را می‌توان برای تفکر فلسفی اروپایی پس از رنسانس برشمرد:

۱. اکتفا به شناخت‌های تجربی و حسی و محور قرار گرفتن عقل عینی و جزء‌نگر؛ ۲. اعلام انقطاع حکمت نظری از حکمت عملی و جدایی دانش از ارزش؛ ۳. اعلام بی‌نیازی عقل از وحی و آموزه‌های وحیانی (عیسوی، ۱۳۷۹، ص ۲۲). به اعتقاد برخی، دانش اقتصاد هنگامی رشد کرد که ذات‌گرایی را کنار گذاشت و طرفدار نام‌گرایی شد. به نظر آنان، این تغییر رویکرد سبب استفاده از روش فرضیه‌ای - استنتاجی شده است (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۲۵).

تقابل این دو رویکرد در اقتصاد بنا به تعبیر مارک بلاگ در این است که ذات‌گرایی به دنبال تبیین چیستی و ماهیت پدیده‌های اقتصادی و نام‌گرایی در صدد تبیین چگونگی و علل تغییر رفتارها و کارکردها می‌باشد (بلاگ، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳)؛ از این رو چنانچه هدف نهایی علم‌ورزی پروراندن نظریات با توان پیش‌بینی‌کنندگی بالا تعریف شود، آن‌گاه ابزارگرایی را می‌توان به منزله رهیافتی مفید و بسنده در روش‌شناسی تصور کرد (متوسلی و رستمیان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲)؛ لذا اعتبار شناخت در این دیدگاه به پیش‌بینی صحیح و به عبارت بهتر تحقق منافع و اهداف است و نه واقع‌گرایی.

بر اساس مبانی مذکور، ویژگی عمده عقلانیت ابزاری عبارت است از: پی‌جویی فردی منافع معین‌شده توسط خود فرد با هدف حداکثرسازی لذت و دوری از رنج. در این دیدگاه اهداف بر اساس امیال، احساسات و عواطف شکل می‌گیرند. از نظر هیوم خرد حریف میل نمی‌شود و ابزاری در خدمت امیال نفسانی (شهوت) است. جمله «عقل فقط برده امیال نفسانی است و باید هم باشد» از اظهارات کلیدی اوست (معرفی محمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹)؛ همچنین در این دیدگاه، «عقل معنایی کاملاً روشن و دقیق دارد و بر گزینش ابزارهای درست نسبت به یک هدف دلالت دارد که می‌خواهید بدان دست بیابید. عقل هیچ ارتباطی با گزینش اهداف ندارد» (Russel, 1956, p.viii). اصول راهبردی نظام اقتصادی متعارف منبعت از عقلانیت متخذه عبارت‌اند از: اصل تعادل اقتصادی خودکار، اصل رقابت طبیعی، اصل آزادی و مالکیت فردی و اصل آزادی اقتصادی از مداخله دولت (نمازی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴-۲۱۸) که همگی در مقابل زمینه تحقق سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، یعنی اعتماد و مشارکت اجتماعی قرار می‌گیرند.

بررسی عقلانیت اسلامی بر پایه مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی

بر مبنای مبانی فلسفی مورد نظر دین اسلام می‌توان از عقلانیت اسلامی و اصول راهبردی منبعث از آن در اقتصاد سخن گفت. خداشناسی قرآن بر پایه توحید پایه‌گذاری شده و فرضیه چندخدایی را رد می‌کند (انبیاء: ۲۲). خداوند مالک و رب حقیقی آسمان و زمین و تمام مخلوقات است که تدبیر امور عالم و هدایت آن بر عهده اوست (یونس: ۳ و ۳۱ / سجده: ۵ / رعد: ۲). جهان‌شناسی اسلامی مبتنی بر توحید، دارای این صفات می‌باشد: هدف داری (شوری: ۵۳)، اختصاص به انسان داشتن جهان (ابراهیم: ۳۳)، برخوردارگی از خزائن غیبی (حجر: ۲۱)، محل آزمایش بودن دنیا و عدم ارزش ذاتی آن و برخوردارگی از نظام متقن علی و معلولی (ملک: ۳). در رابطه با نگاه این دین نسبت به رابطه جامعه و فرد در جامعه‌شناسی می‌توان گفت: دیدگاه اسلام نسبت به جامعه، تلفیقی از اصالت فرد و اصالت جامعه است. دسته‌ای از آیات قرآن فرد را مخاطب قرار می‌دهد و مسئول اعمال خود می‌داند: (مدثر: ۳۸ / اسراء: ۱۳ / نجم: ۳۹-۴۰ / یونس: ۱۰۸) و آیات دیگر امت‌ها و اقوام را مخاطب قرار داده و هر امتی را زنده و دارای اجل و مسئول کردار خویش می‌شمارد (بقره: ۱۶۱ / جاثیه: ۲۸ / انعام: ۱۰۸ / اعراف: ۳۴). طبق نظریه اصالت توأمان فرد و جامعه، هویت جامعه نه امری موهوم یا اعتباری صرف است و نه حقیقتی مستقل از هویت افراد (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰-۱۰۵). انسان‌شناسی اسلام مبتنی بر دوساحتی بودن انسان (جسم و روح) (مؤمنون: ۱۴ / ص: ۷۲ / حجر: ۲۹) و عبودیت (ذاریات: ۵۶) همراه با محوربودن انسان (لقمان: ۲۰) در جهان استوار است. البته محوربودن انسان در پرتو عبودیت خداوند و در چارچوب شریعت تحقق یافته و جنبه متعالی و روحانی او را مدنظر دارد. اسلام انسان را «حی متألّه» تلقی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷) و محورهای نگرش اسلام عبارت است از: دویعدی بودن انسان (حجر: ۲۸-۲۹)، کرامت وجودی انسان (حجرات: ۱۳)، خدامالکی و خلیفه‌بودن (توبه: ۱۱۶) و هدف حرکت به سوی کمال (عبودیت پروردگار) (ذاریات: ۵۶)، تداوم سعادت و شقاوت او تا ابدیت (مؤمنون: ۱۰۳ / انبیا: ۱۰۲) و دارای هویت توأمان فردی و اجتماعی بودن (نحل: ۱۲۰).

درباره مبانی معرفت‌شناسی دین اسلام نیز می‌توان گفت: منابع شناخت، محدود به حس و تجربه نگردیده بلکه عقل به عنوان شناسنده اصول و حقایق کلی و قلب به عنوان ابزار

شهود برتر و از همه مهم‌تر وحی به عنوان منبعی خلل‌ناپذیر از معرفت متصل به علم متقن الهی دارای اعتبار و ارزش شناخت می‌باشند. از آنجاکه این دین هدف از خلقت انسان را عبودیت پروردگار قلمداد می‌کند (ذاریات: ۵۶)، عمده هدف شناخت را شناخت واقعیت و عمل به وظیفه تلقی می‌نماید و این شناخت می‌بایست مطابق با واقعیت و یقینی باشد و ظن و گمان وافی به مقصود نخواهد بود (یونس: ۱۰۷). معرفت‌شناسی اسلامی از حیث صدق و توجیه به ترتیب مبتنی بر واقع‌گرایی اصلاحی و مبنای گروهی می‌باشد (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۴۱).

مبنتی بر این مبانی عقلانیت عملی اسلامی عبارت خواهد بود از شناخت و عمل به وظیفه الهی در جهت نیل به سعادت که در یک کلام در مفهوم «تقوا» تبلور یافته و زندگی معقول را به «حیات طیبه» مبدل می‌سازد. تحصیل این حقیقت جز از راه علم، ایمان و عمل صالح میسر و مقدور کسی نیست و این همان حیات طیبه‌ای است که خداوند به مؤمنان وعده داده است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۲-۱۷۳). ویژگی‌های عقلانیت اسلامی به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: حجت الهی بودن عقل، حاکمیت عقلانیت اسلامی بر امیال، همراهی عقلانیت اسلامی و تقوا، حق‌پذیری، خداگرایی و آخرت‌گرایی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۶). عقلانیت ظاهری صرف و محدود به امور مادی از نظر تعالیم اسلامی در سطح وهم و شیطنت و مکر ارزیابی می‌گردد. قرآن آن‌گاه عقل را عقل می‌داند که در مسیر الهی حرکت کند و در صورت منحرف‌شدن از این مجرا دیگر آن را عقل نمی‌نامد (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۴۳). اندیشمندان مسلمان نوع ابزاری عقلانیت اقتصادی را به لحاظ ناسازگاری با ارزش‌های اسلامی، ابتدای بر فلسفه سرمایه‌داری، عدم شمول هنجارها و ایده‌های اسلامی و رد ملاک نفع شخصی صرف در اسلام زیر سؤال برده‌اند (دادگر و عزتی، ۱۳۸۲، ص ۹). اصول راهبردی عقلانیت اسلامی در اقتصاد را می‌توان در تبعیت از تکالیف اقتصادی الهی، منفعت‌گرایی فراگیر، محاسبه‌گری جامع و جمع‌آوری اطلاعات در حد علم و یقین (داودی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۷) برشمرد.

تقابل ویژگی‌های انسان اقتصادی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی

انسان اقتصادی در اسلام در دو سطح تعریف شده است: انسانی که انگیزه و رفتار او از سوی اسلام تأیید و پذیرفته شده و انسانی که انگیزه و رفتار او مطلوب اسلام است (همان، ص ۷۵). در سطح اول بیشینه‌سازی منافع فردی و در سطح دوم بیشینه‌کردن تطابق رفتار با احکام شرع، بیشینه‌کردن مصلحت‌العباد و بیشینه‌کردن حب یا رضایت خداوند مورد توجه می‌باشد.

ویژگی‌های انسان اقتصادی سرمایه‌داری، انسان اقتصادی مطرود را از دیدگاه اسلام شکل می‌دهد که برخی ویژگی‌های چنین انسانی عبارت است از: پیوسته سود مادی خویش را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد (اسراء: ۱۰۰)؛ عجول و شتابگر است (اسراء: ۱۱)؛ سخت شیفته مال و ثروت است (عادیات: ۸)؛ کم‌ظرفیت و کم‌طاقت است (معارج: ۱۹-۲۱)؛ ثروت و امکانات خود را حاصل تلاش و زیرکی خویش می‌پندارد (قصص: ۷۸)؛ تعهد و پایبندی او به هنجارهای اجتماعی تا زمانی است که خود را نیازمند احساس کند و در هنگام بی‌نیازی سرکشی می‌کند (علق: ۶-۷)؛ نسبت به ثروت و امکانات مادی سیری‌ناپذیر است (مدثر: ۱۵)؛ در زمان فقر و نارسائی روحیه قناعت و رضایت از زندگی ندارد (سبأ: ۱۳)؛ نعمت و ثروت موجب طغیان و فقر و ناداری موجب ناامیدی وی می‌گردد (فجر: ۱۵-۱۶)؛ هدف و همت او محدود به امور مادی و مقصد و مقصود او تأمین منافع شخصی است (نجم: ۲۹-۳۰).

در مقابل، ویژگی‌های انسان اقتصادی مطلوب برآمده از عقلانیت اسلامی عبارت‌اند از: با منافع دیگران هماهنگ است و در موارد لازم آن را بر منفعت شخصی‌اش مقدم می‌دارد (حشر: ۹)؛ دارایی خویش را در سودایی مقدس وسیله رسیدن به منافع پایدار قرار می‌دهد (فاطر: ۲۹-۳۰)؛ ثروتش را در مسیر رضایت الهی و خدمت به نیازمندان به کار می‌گیرد (بقره: ۲۶۵)؛ آنچه دارد از فضل پروردگارش می‌داند (نمل: ۴۰)؛ پرکار و سخت‌کوش است (مزمّل: ۲۰)؛ در عین رفاه اقتصادی از اسراف پرهیز می‌کند و بخل و سخت‌گیری نیز ندارد (ایروانی، ۱۳۹۱، ص ۲۲). اسلام انسان اقتصادی را حداکثرکننده بهره‌مندی‌های مادی، معنوی و آخرتی در گستره تولید و توزیع و مصرف با بهترین ترکیب معرفی می‌کند (هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۳۵) و مهم‌ترین قاعده رفتاری در الگوی انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام،

بیشینه‌سازی بهره‌مندی‌های مادی، معنوی و آخرتی با بهترین ترکیب می‌باشد (هادوی‌نیا، ۱۳۹۸، ص ۱). تأمل در این تقابل‌ها روشنگر تفاوت فاحش رفتار و تعاملات اقتصادی مبتنی بر عقلانیت‌های ابزاری و اسلامی است که روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند نقش مهمی در تعیین ماهیت سرمایه اجتماعی و تحقق و کارایی آن داشته باشد.

مؤلفه‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی شامل اعتماد درون‌گروهی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، هنجارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی هستند (خادم‌علیزاده و افسری، ۱۳۹۵، ص ۴۷). سرمایه اجتماعی عمدتاً از سه شاخص تشکیل یافته است: شاخص اول اعتماد است که خود دو سطح دارد: اعتماد شخصی و اعتماد عام یا تعمیم‌یافته؛ شاخص دوم، مشارکت اجتماعی و سومین شاخص همیاری است (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۹، ص ۵۷). دادگر و همکاران (۱۳۹۴) با حذف همیاری و افزودن آگاهی عمومی و شبکه‌ها، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را چهار شاخص معرفی کرده‌اند. دو شاخص و مؤلفه‌ای که در اغلب تقسیم‌بندی‌ها بدان اشاره شده اعتماد و مشارکت اجتماعی است. اعتماد عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه‌ای حمایت‌کننده را در پیش خواهند گرفت (شارع‌پور، ۱۳۸۵، ص ۳۴) و مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سودبردن یا در گروهی شرکت‌جستن و همکاری با آن است (پیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۷۵). مشارکت می‌تواند اشکال و درجه‌های گوناگونی مانند همکاری، همیاری، هم‌بستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظیفه‌هایی که با این نقش‌ها ارتباط دارند، پیدا کند (همان، ص ۲۵۸). همچنین سرمایه اجتماعی دارای بعد ذهنی و عینی می‌باشد که در برخی تقسیم‌بندی‌ها به ابعاد شناختی و ساختاری تعبیر می‌گردد. پاکستون (Paxton, 1999) سرمایه اجتماعی را متشکل از دو بعد می‌داند: الف) پیوندهای عینی میان افراد: یعنی ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط کند؛ ب) بعد ذهنی: یعنی پیوندهای میان افراد که باید دوجانبه، مورد اعتماد و مستلزم احساس

مثبت باشد. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی با توجه به کمیت و کیفیت ارتباطات دارای سه سطح است: سطح اول سطح خرد یا سطح رابطه فردبه‌فرد که «سرمایه اجتماعی آوندی» نامیده می‌شود؛ سطح دوم از ارتباط متقابل و متقاطع افراد با همدیگر شکل می‌گیرد که به آن «سرمایه اجتماعی هموندی» گفته می‌شود و سطح سوم که با ارتباط گروه‌ها و شبکه‌های در سطح کل جامعه به وجود می‌آید و به آن «سرمایه اجتماعی پیوندی» گفته می‌شود (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۵۶). لزوم وجود توأمان ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی و هم‌پوشانی و مکمل‌بودن سطوح آوندی، هموندی و پیوندی آن، مستلزم مبانی خاص و ریشه‌داری است که می‌تواند اولاً تحقق سرمایه اجتماعی را امکان‌پذیر ساخته و ثانیاً از انحراف و اخلال و استهلاک آن جلوگیری کند.

بحث و بررسی

با تبیین عقلانیت اسلامی در مقایسه با عقلانیت ابزاری و مؤلفه‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی، در ادامه ابتدا به بررسی نسبت عقلانیت و سرمایه اجتماعی و پس از آن به بررسی نسبت عقلانیت اسلامی با ماهیت، زمینه تحقق و کارایی سرمایه اجتماعی در مقایسه با عقلانیت ابزاری پرداخته می‌شود.

نسبت سرمایه اجتماعی و عقلانیت

سرمایه اجتماعی معطوف به کنش اجتماعی و توانایی گسترش آن است (براتلو و صنایع، ۱۳۸۸، ص ۳۲). میان رفتار (Behavior) و کنش (Action) از منظر دانش اجتماعی تفاوت محسوسی وجود دارد. کنش اجتماعی مبتنی بر خرد و انتخاب آگاهانه و متوجه زمینه‌ها، منابع، بسترها، تأثیرات و تأثرات رفتار است. کنش و واکنش بر پایه قواعد، هنجارها و الزام‌ها یا متغیرهای ارزشی ممکن می‌شود. صرف‌نظر از راه‌های ایجاد سرمایه اجتماعی آنچه به عنوان منبع اصلی تشکیل سرمایه اجتماعی مطرح است، هنجارها و نهادهای اجتماعی است که برآمده از ارزش‌های مورد قبول جامعه می‌باشد. سطح رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نهایتاً در سطح سرمایه اجتماعی منعکس می‌شود (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۸۳-۹۳)؛ لذا سرمایه اجتماعی را می‌توان به نوعی تبلور عقلانیت عملی اجتماعی در نظر گرفت. کیفیت و کمیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی که مهم‌ترین آنها عبارت از

اعتماد و مشارکت است وابسته به عقلانیت حاکم بر جوامع می‌باشد. رابطه سرمایه اجتماعی با عقلانیت دوسویه است؛ عقلانیت کلی حاکم بر جامعه به سطح خاصی از عقلانیت عملی اجتماعی و سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد و سطح خاص سرمایه اجتماعی یک جامعه به گسترش و تثبیت نوع خاصی از عقلانیت مدد می‌رساند. سرمایه اجتماعی نازل منجر به گسترش عقلانیت ابزاری گردیده و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی منجر به ارتقای عقلانیت به عقلانیت آئینی و معنوی خواهد گردید (همان، ص ۸۵-۹۵). از سوی دیگر عقلانیت حاکم بر جامعه با توجه به اثری که بر رفتار و عملکرد انسان اقتصادی و تعاملات اجتماعی او می‌گذارد می‌تواند فراهم‌آورنده اعتماد و مشوق مشارکت و همراهی اجتماعی گردیده و یا با ترویج خودخواهی، بدبینی و زیاده‌خواهی، برهم‌زننده اعتماد و زمینه همراهی و مشارکت باشد؛ لذا عقلانیت نقش مهمی در ماهیت، ایجاد زمینه تحقق و نیز کارایی سرمایه اجتماعی دارا خواهد بود.

نسبت عقلانیت اسلامی و ابزاری با ماهیت سرمایه اجتماعی

ماهیت و چیستی سرمایه اجتماعی منفک از ماهیت جامعه نخواهد بود. فردگرایی افراطی مبتنی بر مبنای و عقلانیت اقتصاد متعارف سبب می‌شود که جامعه امری غیراصیل و ابزاری و در خدمت تحقق اهداف و امیال افراد لحاظ گردد. در همین راستا سرمایه اجتماعی نیز امری تاریخی، مبتنی بر شرایط محیطی و ارتباطات عینی و صرفاً با هدف تسهیل مبادلات و آسان‌سازی نیل به اهداف و امیال در نظر گرفته می‌شود؛ لذا جامعه و سرمایه اجتماعی امری اصیل نبوده و صرفاً در جهت پرهیز از مضرات فردگرایی افراطی لحاظ می‌شود (براتلو و صنایع، ۱۳۸۸، ص ۳۰)؛ در مقابل، دیدگاه اسلامی بر اساس علم، حکمت و تدبیر الهی و خالقیت واحد، نوع انسان‌ها را در پیوندی متعال، منتسب و مرتبط با یکدیگر تعریف نموده و همواره دعوت به نوع‌دوستی، برادری و خیرخواهی می‌نماید (اعراف: ۱۸۹/ انبیاء: ۹۲/ انعام: ۹۸/ مؤمنون: ۵۲/ لقمان: ۲۸/ زمر: ۶/ نساء: ۱). باید توجه داشت که صرف رفتار و تعاملات اجتماعی تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی نبوده بلکه این امور حداکثر بعد ساختاری سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد که بدون بعد ذهنی و شناختی، وافی به مقصود نخواهد بود. بی‌شک نگاهی که مبتنی بر حداکثرکردن لذت و منافع ظاهری است اعتماد، مشارکت

و همیاری را تا آنجا مطلوب می‌داند که منافع فرد را تأمین نماید و بدیهی است که این نگاه هرگز منتهی به اعتماد تعمیم‌یافته مستحکم و قابل اتکا نخواهد گردید. از سوی دیگر پابندی به تعهدات، محتاج زمینه‌ای است که لازمه آن گذشت از منافع و امیال در برابر حق، راستی و صداقت است و این مهم تحقق نخواهد یافت مگر در سایه باور به حاکمیت رب و مدبری آگاه و علیم و حکیم و عادل و اعتقاد به پاداش و حسابرسی دقیق و کافی - در آخرت - که این امکان را فراهم می‌سازد که افراد نه تنها در برابر حق کرنش نموده و تسلیم باشند، بلکه با طی مدارج انسانیت با ایثار و از خودگذشتگی، خیرخواهی دیگران را بر نفع و لذت ظاهری خود ترجیح دهند. در این حالت می‌توان شاهد شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی»‌ای بود که در واقع ترکیب ویژه روابط اجتماعی و سیاسی و نیز کیفیت بالاتر این روابط می‌باشد (علینی و همکاران، ۱۳۹۳). باور به رزاقیت خداوند، توکل بر خداوند قادر و حکیم، التزام به رعایت حق و حقوق، التزام به عمل به وظایف فردی و اجتماعی، خیرخواهی، آخرت‌محوری و قراردادن رضایت الهی و نیل به کمال بشری ترسیم‌شده از سوی خداوند متعال به عنوان هدف غایی تعاملات اجتماعی، محورهای مهم تشکیل روابط انسانی والا و سازنده است که سرمایه اجتماعی مورد نظر مکتب اسلام را دارای ماهیتی کاملاً متفاوت از سرمایه اجتماعی مبتنی بر نوع نگاه اقتصاد متعارف می‌سازد.

نسبت عقلانیت اسلامی و ابزاری با تحقق سرمایه اجتماعی

عقلانیت شناختی و ارزشی اسلام تحقق سرمایه اجتماعی را سهل‌الوصول‌تر می‌سازد. آخرت‌محوری، حق‌مداری، خیرخواهی، خُلق زیاده‌خواه انسان (معارج: ۱۹) را تعدیل کرده، بی‌پروایی‌های انسان (قیامت: ۵) در کامرانی‌ها را مهار زده، بر صبر و شکیبایی انسان‌ها در زمان بهره‌مندی و ناکامی افزوده و با تربیت انسان‌های دارای طمأنینه (فجر: ۱۵-۳۰) از بعد ذهنی و تربیتی، انسان‌ها را آماده تعاملات سازنده برای تحقق سرمایه اجتماعی می‌نماید و از سوی دیگر با طراحی ساختار اجتماعی و نهادهای مختلف در تحت سه اصل ولایت (حکمرانی خوب توسط حکام شایسته) (مانده: ۵۵)، بنوت (نهاد خانواده و ارتباطات سالم و سازنده خانوادگی) (اسراء: ۲۳/ بقره: ۲۱۵) و اخوت (روابط مبتنی بر خیرخواهی و برادری و نوع‌دوستی) (آل‌عمران: ۱۰۳) محور مهم دیگری در تشکیل جامعه سالم و تحقق سرمایه

اجتماعی سازنده و رشد و بالندگی آن را طراحی نموده است. در اسلام، اصول کلی قوانین از طریق وحی تعیین می‌شوند و در هدف‌گذاری احکام و قوانین، منافع فردی و گروهی نقش نداشته و آنچه مطمح نظر می‌باشد سعادت و تعالی افراد در قالب فضای سالم و سازنده جامعه می‌باشد (آل‌عمران: ۳)؛ همچنین اخلاق مورد توصیه دین هماهنگ با فطرت (روم: ۳۰ / زخرف: ۲۷ / یس: ۲۲) مؤید و مکمل قواعد و قوانین بوده و مجموعه احکام و اخلاق ساختار اجتماعی را مستعد روابط سازنده و مبتنی بر خیرخواهی و تعالی می‌نماید که زمینه‌ای مهم برای تحقق سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد. تأکید بر عبادات اجتماعی نظیر برپایی نماز جماعت (بقره: ۴۳)، انجام انفاق (توبه: ۱۲۱ و آیات فراوان دیگر) و توصیه به پرداخت های دینی خمس و زکات، توصیه به دست‌گیری از دیگران و رفع احتیاجات ایشان، اهتمام به مسائل مسلمانان و نیز توجه به ضعفا و مظلومان عالم و تقابل با مستکبران و زیاده‌خواهان، همه و همه در راستای توجه غیرمنفعت‌طلبانه به روابط و مناسبات اجتماعی است که تحقق سرمایه اجتماعی حقیقی و کارا منوط به آن است. همچنین فریضه مهم و سازنده امر به معروف و نهی از منکر جامع تمام مراتب فوق و از عوامل مهم اصلاح روابط اجتماعی و تحقق سرمایه اجتماعی مطلوب می‌باشد (اعراف: ۱۵۷). این همه در مقابل بی‌مبالاتی، زیاده‌خواهی، منفعت‌طلبی انسان اقتصادی برآمده از عقلانیت ابزاری و آداب و سنن و رسوم اجتماعی‌ای که صرفاً جنبه تاریخی و عادت‌ی داشته و ریشه‌ای مستحکم در باورهای یقینی به امور واقعی ندارند، به‌خوبی بیانگر این است که عقلانیت ابزاری مستقل، نه‌تنها امکان تحقق سرمایه اجتماعی را فراهم نخواهد نمود، بلکه این تفکر موجب اخلال و تباهی سرمایه اجتماعی نیز خواهد شد و اگر نمونه‌هایی از ذهنیت، روابط و ساختار مؤید سرمایه اجتماعی در جوامع تحت سیطره عقلانیت ابزاری مشاهده می‌شود، بی‌شک نسبتی با تفکر و عقلانیت ناب مکتب متعارف نداشته و ریشه در سجایای فطری خود انسان‌ها دارد.

نسبت عقلانیت اسلامی و ابزاری با کارایی سرمایه اجتماعی

سرمایه‌بودن «سرمایه اجتماعی» بیشتر در زمینه کارکرد آن تبلور می‌یابد (پیران، ۱۳۹۲، ص ۷۶)؛ به عبارت دیگر برای آنکه سرمایه اجتماعی بتواند از طریق افزایش کارایی موجب

بهبود کارکردهای اجتماعی گردد، نیازمند آن است که ابتدا از حالت ایستا به جریان تبدیل شود (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۳۵۲). هیچ‌یک از ابعاد ذهنی و عینی سرمایه اجتماعی به تنهایی به حرکت درآورنده سرمایه اجتماعی و فراهم‌آورنده کارایی آن نخواهد بود. بلکه ترکیب این دو است که سبب می‌شود سرمایه اجتماعی کیفیتی سیال و پویا یافته و کارایی خود را به ظهور درآورد. عمده کارایی مطلوب سرمایه اجتماعی نیز بیش و پیش از آنکه در تسهیل و تسریع و آسان‌سازی مبادلات باشد، دادن صبغه انسانی، متعالی و سازنده به تعاملات و تبادلات در جوامع انسانی است (بقره: ۲۶۳) که بیشتر متکی به بعد ذهنی و عقلانیت حاکم بر آن است و با فرض بعد عینی واحد سرمایه اجتماعی عقلانیت اسلامی با تأثیری که بر بعد شناختی آن دارد نقش مهمی در کارایی سرمایه اجتماعی خواهد داشت. یکی دیگر از نکات مهم در ارتقای سطح کارایی سرمایه اجتماعی توأمان بودن و ارتباط ابعاد کمی سرمایه اجتماعی اعم از آوندی، هموندی و پیوندی است. اخلال ارتباطی این ابعاد و تقابل آنها با یکدیگر سبب اخلال در کارایی کلی سرمایه اجتماعی و بروز و ظهور سرمایه اجتماعی منفی خواهد شد. سرمایه اجتماعی منفی به دو صورت قابل بروز و ظهور است: نخست آنکه محور ارتباط و تشکیل روابط اجتماعی امور منفی و ضد ارزش باشد؛ همچون ارتباطات مابین اعضای گروه‌های مافیایی (فوکویا، ۱۳۷۹، ص ۲) و دوم آنکه سرمایه اجتماعی یک بُعد از ابعاد سرمایه اجتماعی محل روابط سازنده با بُعد دیگر سرمایه اجتماعی گردد، درحالی‌که جامعه متعادل به هر دو نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی نیازمند است (Meadowcroft & Pennington, 2007, p.119). اگر این ابعاد باهم در تعادل نباشند، در جهت تضعیف یکدیگر عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هرچه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تقویت شود، ارتباط آنها با گروه‌های مشابه کاهش یافته و سرمایه اجتماعی پیوندی تضعیف می‌شود (Patulny & Svendsen, 2007, p.27). عقلانیت اسلامی با تحذیر از اجحاف، ظلم و تعدی و تشویق قسط و عدالت، برابری و خیرخواهی و نیز رعایت تقوا، هرگونه اخلال در مناسبات بین انسان‌ها را به بهانه رعایت منافع گروهی مردود دانسته (نساء: ۳۵) و همواره به تقابل با گروه‌هایی که با اتکای به برتری و قدرت در جهت سلب حقوق اقشار دیگر مبادرت می‌ورزند فرمان داده است (نساء: ۷۵) و به عبارت دیگر همکاری و همیاری را تنها در جهت خیر و خوبی و نیکی تأیید کرده و از همکاری و

همپاری در طریق گناه و عداوت بر حذر می‌دارد (مائده: ۲). سالم‌سازی مناسبات اجتماعی اعم از بین فردی، گروهی، کشوری و جهانی همواره مورد اهتمام عقلانیت اسلامی بوده و از ارکان کارایی سرمایه اجتماعی در جهت سالم‌سازی و تعالی بخشی معاملات و مبادلات اجتماعی می‌باشد که این امر نیز در مقابل رویکرد عقلانیت ابزاری است که زمینه‌ساز بهره‌مندی از مناسبات اجتماعی در جهت افزون‌طلبی، برتری‌جویی و تعدی و دست‌درازی بر منافع دیگران بوده و حتی در روابط فردی در قالب سوءاستفاده و استفاده ابزاری از دیگران می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

جدول ۱: جدول مقایسه سرمایه اجتماعی مبتنی بر عقلانیت ابزاری و اسلامی

سرمایه اجتماعی مبتنی بر عقلانیت ابزاری	سرمایه اجتماعی مبتنی بر عقلانیت اسلامی
شکل‌گیری ارتباطات و اعتماد و نیز جامعه امری تجربی - تاریخی است (تصادفی) و عقلانیت ابزاری مغل آن محسوب می‌شود.	ارتباطات بر مبنای اعتقاد به خالق واحد علیم و تدبیر و طراحی او بوده و اعتماد بر مبنای ایمان واحد و تبعیت از تعالیم سازنده دینی است.
هنجارها و قوانین از سوی انسان‌ها معین شده و شائبه سوگیری وجود دارد.	قواعد و قوانین مبتنی بر دستورات الهی و بری از سوگیری و منفعت‌طلبی فردی یا گروهی است.
صرف تسهیل‌گری مبادلات و حداکثرسازی منافع فرد یا افراد هدف سرمایه اجتماعی است.	سرمایه اجتماعی مبتنی بر روابط سازنده اجتماعی است که خود فی‌نفسه مطلوب بوده و مورد اهتمام است.
حداکثر پیوند اعضای جامعه همانا همراهی و مشارکت در نیل به هدف است.	با تخلق به تعالیم دینی مشارکت اعضای جامعه تا سطح همدلی و همراهی برادرانه و خیرخواهانه ارتقا می‌یابد.
امکان ابتنای روابط و سرمایه اجتماعی بر مبنای ارزش‌های منفی متفی نیست.	ارزش‌های منفی مورد نکوهش بوده و ارتباطات مبتنی بر آن نهی شده و سرمایه اجتماعی محسوب نمی‌شود.
ارتباطات و سرمایه اجتماعی گروهی می‌تواند به ضرر منافع فرد یا گروه دیگر دنبال شود.	با توجه به تأکید بر رعایت حق و عدل، روابط و سرمایه اجتماعی گروهی نباید حق و حقوق دیگران را نادیده بگیرد.
هدف اصلی سرمایه اجتماعی مساعدت در رشد و توسعه مادی - ظاهری است.	هدف اصلی سرمایه اجتماعی تحقق حیات طیبه برای آحاد جامعه و تشکیل ظرف پرورش

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عقلانیت اسلامی، اصول راهبردی تبعیت از تکالیف اقتصادی الهی، منفعت‌گرایی فراگیر، محاسبه‌گری جامع و جمع‌آوری اطلاعات در حد علم و یقین را در تعاملات و مبادلات اجتماعی - اقتصادی معین نموده و ویژگی انسان اقتصادی مطلوب خود را حداکثرکننده بهره‌مندی‌های مادی، معنوی و آخرتی در گستره تولید و توزیع و مصرف با بهترین ترکیب معرفی می‌نماید و با توجه به رابطه متقابل عقلانیت و سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی مطلوب بر مبنای عقلانیت اسلامی برخلاف دیدگاه مبتنی بر عقلانیت ابزاری مستقل، صرفاً صبغه عینی - تاریخی نداشته، بلکه همچون جامعه مطلوب اسلامی دارای اصالت بوده و بر اساس خیرخواهی و رعایت حقوق و ایجاد بستر لازم در جهت تحقق حیات طیبه برای آحاد انسان‌ها پی‌ریزی می‌شود و آموزه‌ها، قوانین و احکام اسلامی در کنار تعالیم اخلاقی این دین زمینه تحقق سرمایه اجتماعی را فراهم نموده و توصیه به رعایت تقوا و دوری از زشتی‌ها و ضد ارزش‌ها سبب پرهیز از عوارض منفی سرمایه اجتماعی یا همانا سرمایه اجتماعی منفی شده و کارایی سرمایه اجتماعی را در بهینه‌سازی بهره‌مندی از روابط سالم و سازنده اجتماعی افزون می‌سازد؛ درحالی‌که بر مبنای عقلانیت ابزاری سرمایه اجتماعی اصالت نداشته و در راستای تحقق اهداف مبتنی بر امیال افراد قابل ارزش‌گذاری بوده و بر این اساس تکیه بر مبانی آن می‌تواند محل تحقق و کارایی سرمایه اجتماعی باشد. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش عبارت‌اند از:

۱. علی‌رغم وحدت مفهوم کلی عقلانیت، عقلانیت اسلامی مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این دین، از عقلانیت اقتصاد متعارف که در قالب عقلانیت ابزاری تبلور می‌یابد متمایز بوده در قالب «تقوا» منعکس می‌شود.
۲. کنش و روابط اجتماعی انسان‌ها متأثر از عقلانیت پذیرفته‌شده بوده و تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی با ماهیت، زمینه تحقق و کارایی خاصی می‌باشد.
۳. سرمایه اجتماعی مبتنی بر عقلانیت اسلامی در قالب مفاد آیه «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ» (مانده: ۲) تبلور یافته و مبتنی بر رعایت حقوق

و انجام وظایف و تکالیف معین شده از سوی پروردگار با هدف حداکثرکردن منافع کل نگر و تعالی انسان به حیات طیبه محقق می‌گردد؛ لذا برخلاف سرمایه اجتماعی مبتنی بر عقلانیت ابزاری دارای اصالت بوده، هدف از آن صرف منافع فردی و گروهی نبوده و بر اساس تعالیم، ساختار، احکام و اخلاق اسلامی زمینه تحقق بیشتری داشته و از آنجاکه مبتنی بر رعایت حقوق و نفی ارزش‌های منفی است کارایی بیشتری در سازندگی و بهره‌وری روابط اجتماعی دارا خواهد بود؛ لذا فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد (رد نشد).

۴. لازمه تحقق عینی سرمایه اجتماعی مبتنی بر عقلانیت اسلامی، تدین واقعی آحاد جامعه به معنی باور راسخ و یقینی به جهان‌شناسی معرفی شده از سوی این دین و رعایت نظام ارزشی اسلام و تطبیق اعمال و رفتار بر اساس احکام و تکالیف اسلامی و رعایت اخلاق توصیه شده این دین و ابتنای حقیقی ساختارها، نهادها و مناسبات اجتماعی بر اساس الگوهای اسلامی خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی سالاری، تقی، محمدی، سحر و شیما ویسی؛ «مقایسه تطبیقی عقلانیت در اقتصاد کلاسیک و اقتصاد اسلامی»؛ مازندران: همایش ملی جهاد اقتصادی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۱.
۲. ایروانی، جواد؛ «انسان اقتصادی از دیدگاه قرآن»؛ نشریه آموزه‌های قرآنی، ش ۱۵، ۱۳۹۱.
۳. آربلاستر، آنتونی؛ لیبرالیسم غرب: ظهور و سقوط؛ ترجمه عباس مخبر؛ چ ۵، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۲.
۴. آقائزوری، حسن و سیدحسین علی دانش؛ «بررسی اثرپذیری الگوهای رفتار عقلانی در اقتصاد سنتی (متعارف) از نظریه‌های عقلانیت در سایر رشته‌ها»؛ دوفصلنامه پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، س ۶، ش ۱۲، ۱۳۹۳.
۵. براتلو، فاطمه و محمد صنایع؛ «درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی»؛ نشریه نامه پژوهش فرهنگی، س ۱۰، ش ۶، ۱۳۸۸.
۶. بلاگ، مارک؛ روش‌شناسی علم اقتصاد: اقتصاددانان چگونه تبیین می‌کنند؟؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.

۷. بوردیو، پیر؛ «شکل‌های سرمایه»؛ در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ به کوشش کیان تاج‌بخش؛ ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز؛ تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۸. پاتنام، رابرت؛ «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی»؛ در سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ به کوشش کیان تاج‌بخش؛ ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز؛ تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۹. پیران، پرویز؛ مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۲.
۱۰. پیرو، آلن؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه باقر ساروخانی؛ تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۱۱. پورتس، آلهاندرو؛ «سرمایه اجتماعی، خاستگاه و کاربردهایش در جامعه شناسی مدرن»؛ در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ به کوشش کیان تاج‌بخش؛ ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز؛ تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۱۲. توکلی، محمدجواد؛ «پژوهشی در تعیین حدود و مرزهای مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۱۵، ۱۳۹۵.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۸۷.
۱۴. _____؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۹۸ (الف).
۱۵. _____؛ تفسیر انسان به انسان؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۹۸ (ب).
۱۶. چاوشینی، رسول و ماریا نقش‌بندی؛ «بررسی رابطه عدالت سازمانی و سرمایه‌های اجتماعی کارکنان در شرکت توزیع برق استان کردستان»؛ مدیریت سرمایه اجتماعی، ش ۲، ۱۳۹۳.
۱۷. خادم‌علیزاده، امیر و علی افسری؛ «تأثیر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان جهان (با تأکید بر شاخص اعتماد تعمیم‌یافته)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی رشد و توسعه اقتصادی، س ۶، ش ۲۳، ۱۳۹۵.
۱۸. دادگر، یدالله، نظریه‌پرداز، محمدتقی و مصطفی منتظری مقدم؛ سرمایه اجتماعی، اسلام و توسعه اقتصادی؛ تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۴.
۱۹. دادگر، یدالله و مرتضی عزتی؛ «عقلانیت در اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
۲۰. دادگر، یدالله و علی‌اصغر هادوی‌نیا؛ «مطالعه تطبیقی عقلانیت اسلامی با رویکرد شناختی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۹۱.

۲۱. داودی، پرویز، توکلی، محمدجواد و محمدسعید پناهی بروجردی؛ «عقلانیت طیفی اسلامی در مقابل نظریه انتخاب عقلایی اقتصاد متعارف»؛ معرفت اقتصاد اسلامی، س ۹، ش ۱۷، ۱۳۹۶.
۲۲. رحیم‌پور ازغدی، حسن؛ عقلانیت؛ بحثی در مبانی جامعه‌شناسی توسعه؛ تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۷.
۲۳. رنانی، محسن، سرمدی، حامد و مجید شیخ انصاری؛ «نقد عقلانیت کلاسیک رویکرد عقلانیت محدود مرزبندی شده سایمون»؛ اقتصاد تطبیقی، ش ۲، ۱۳۹۱.
۲۴. رنانی، محسن و رزیتا مؤیدفر؛ چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد؛ تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۹۰.
۲۵. ری‌شهری، محمد؛ درسهائی از اصول عقاید اسلامی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۲۶. سبجانی، حسن و عطاءالله رفیعی آتانی؛ «علوم انسانی اسلامی به مثابه کاشف عقلانیت اسلامی»؛ فصلنامه اسرا، س ۴، ش ۱۲، ۱۳۹۱.
۲۷. سیدنورانی، سیدمحمدرضا و همکاران؛ «بررسی نقش آموزش در ایجاد سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۶۰-۱۳۹۰)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، س ۵، ش ۲۰، ۱۳۹۴.
۲۸. شارع‌پور، محمود؛ سرمایه اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری اجتماعی؛ مازندران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵.
۲۹. صادقی، یوسف و حسین خنیفر؛ «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی در نص و احادیث در رهگذر رابطه علم و دین»؛ مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۲، ش ۳، ۱۳۹۴.
۳۰. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶.
۳۱. علینی، محمد، غفاری، غلامرضا و علیرضا زهیری؛ «مبانی دینی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با حکمرانی خوب»؛ فصلنامه علوم سیاسی، س ۱۷، ش ۶۷، ۱۳۹۳.
۳۲. عیسوی، محمود؛ «معرفت‌شناسی، عقلانیت و اقتصاد»؛ فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۱۱-۱۲، ۱۳۷۹.

۳۳. غنی‌نژاد، موسی؛ مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد؛ تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.
۳۴. فروغی، محمدعلی؛ سیر حکمت در اروپا؛ ج ۱، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۲۴.
۳۵. فصیحی، امان‌الله؛ «عقلانیت دینی و سکولار»؛ علوم سیاسی، س ۸، ش ۳۲، ۱۳۸۴.
۳۶. فوکویاما، فرانسیس؛ «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»؛ در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ به کوشش کیان تاجبخش؛ تهران: شیرازه، ۱۳۸۴.
۳۷. فیروزجائی، رمضان؛ «عقلانیت در نظر علامه طباطبائی»؛ فصلنامه ذهن، ش ۱۷، ۱۳۸۳.
۳۸. کلمن، جیمز؛ بنیادهای نظریه اجتماعی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ ج ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
۳۹. متوسلی، محمود و علی رستمیان؛ «نقدی دولایه بر روش‌شناسی ابزارانگاران میلتنون فریدمن»؛ مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۵، ش ۴، ۱۳۸۹.
۴۰. معرفی محمدی، عبدالمجید؛ «اخلاق، عقلانیت و مسئله نظم در علم اقتصاد»؛ معرفت اقتصاد اسلامی؛ س ۵، ش ۹، ۱۳۹۲.
۴۱. موسوی کریمی، میرسعید؛ «عقلانیت، معرفت علمی و فلسفه علم تامس کوهن»؛ فصلنامه ذهن، دوره ۳، ش ۱۰، ۱۳۸۱.
۴۲. میرمعزی، سیدحسین؛ فلسفه علم اقتصاد اسلامی؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۴۳. _____؛ نظام اقتصادی اسلام؛ دفتر اول مبانی فلسفی؛ ج ۲، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.
۴۴. نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی؛ ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵.
۴۵. هادوی‌نیا، علی‌اصغر؛ فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۴۶. _____؛ «الگوی انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۹، ش ۷۴، ۱۳۹۸.

47. Bentham, Jeremy; **An Introduction to the Principles of Morals and Legislation**; London: T. Payne and Sons, 1780.

48. Illingworth, Patricia; **Ethics and social capital for global well-being**; Springer, published online, 2012.
49. Meadowcroft, M Pennington; **Rescuing social Capital from social democracy Institute of Economic Affairs Monographs**; Hobart Paper, 2007.
50. Mele Alfred R. & Rawling Piers; **The Oxford Handbook of Rationality**; Oxford: Oxford University Press, 2004.
51. Patulny, R. & G. Svendsen; “Exploring the social capital grid: bonding, bridging, qualitative, quantitative”; **International Journal of Sociology and Social Policy**, vol.27, No.1&2, 2007.
52. Paxton, n. Pamela; “Is Social Capital Declining in the United States, a Multiple Indicator Assessment”; **American Journal of Sociology**, vol.105, No.1, 1999.
53. Putnam, R. D; **Bowling alone**; New York: Simon and Schuster, 2001.
54. Russell, B; **Human Society in Ethics and Politics**; London: George Allen & Unwin, 1956.
55. Stenmark, Mikaeal; **Rationality in Science, Religion, and Everyday Life**; Notre Dame: University of Notre Dame Press, 1995.
56. Wald, K. D; **Religion and Politics in the United State**; Landan: MD, Rowman & Littlefield, 2003.
57. Yeung, Anne Birgitta; “An Intricate Triangle Religiosity, Volunteering, and Social Capital: The European Perspective, the Case of Finland”; **Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly**, vol.33, Issue 3, 2004.